

(۱) "شربانهای زغالی"

سر می خورم از مهره ی چهارم گردن

تا سپید روز ایل؛

شربانهای زغالی ام دود می شوند.

- چتر را افقی باز می کنی

تا آدم نبارد

و پا برهنه می رسی

رو بردیم آبستن سینه هات!

سر می روم از گلویت

دندانهایت عاریه ای شتابت عاریه ای!

۲) "شاعر"

ساز دهنی لب هائی ام

بی شمار

و لب هایم

آواز خوانی دوره گرد!

۳) "معاشقه با ضریح"

پیشانی بلند و آنگاه

از من بدزد لبالب

لبی لیز کن تا زانو

زود بر نداری چشم

این معاشقه با ضریح

هر دو سالهاست مرده ایم

اما نه در من!

(۴) "اشک هایت"

چهار تق پشت هم بگیر و از شرم

چراغ نفتی خاموش آن گوشه

از تهی گاه گرما گرم کدام مثلاً چی کسی

باید گرفت

دو قدم تا انکار لکه های تصادفی!

فرو ریخت

دستانم نیز؛

۵) "نوروز"

نه از کنار تو بگذرم

از کنار

لیز هم اگر نکند

خیس می شوی

لیز اگر کنار تو

باز نوروز

می پرد و حلقه حلقه می شمردند

سالهای تنگ شکسته را!!

۶) "گوژ پشته بوسه ها"

به کشالت ات نرسیده

از کدام سوسه فهمیدت

عصای شو مرده

پشت به پشت می خوابد

با گوژ پشته

بوسه هاست!

از کشاله ها بالا

قلاب می زنمت

و شقه شقه می شود

از سینه ام

شبیه تو!

(۷) " آویزه ی گردنت "

از آن گوش ها

که بنا گوشت آب

می خورد از آفتاب برق لب

به کجای چی کسی چه

من از چه و کجا و کی و اکنون

آب می خورم از

آویزه ی گردنت

از آن گوش ها که کردند!

۸) "شورابیل"

این یکی را سر ظهر

و دریاچه

چهار گام و یکدست

معطوف انگشتان اعتراف خفه!

روی چفیه که شطرنج باختم

دخترک

لای آجر پوسید

آفتاب که از نیمکت آویزان

وسط حال، حال خواست

لای انگشتانم لکه زد

چهار بوسه یکدست

و دریاچه

این یکی را سر ظهر



۹) "دیوار سیمانی"

با سر سراسیمه سر می روم از سقوط لیوان

تپه های زرد پیراهنت موج!

یادت که آمد پوشیده باید

پاک پوشی پور پشنگی که شاهنامه خوردش

یادت که آمد

سخت بفشارش و شور کن در شاهرگش

ساقی که صیقلی بود

غروب

پشت دیوار سیمانی!

۱۰) " ماهی فراق "

خاک توافق نوروز

فراق چندین سده را سور نمی دهد.

اگر بی تو ماهی

از آسمانی نیز بگذرد

ماهی در آسمانی

ماهی در تنگی

به ماهی صورتت

نمی رسد

مهر ماهی که صد آفرین بر

چنین گفت زرتشت!

(۱۱) "دهلیز بودن"

دهلیز و

هزار پستو هم اگر گردد

برهنه می پائی اهرام شورشی ات را!

هوهوئی

بگذار به حساب پس آهنگ

خیمه واره ها!

همیشه به حسرت همیشه

حورای حیران هبوط!

(۱۲) "لالائی"

لاغری آنچنان

نه به دوستی

که لالائی می کشاندت

که لالائی می رساندت

لای پلکم پنهانت می کنم

تا هیچوقت نریزی از رو به روم...

با تو اشک بی گانه ای ست...!

۱۳) "مرگ"

چه فرقی می کند کی؟

چه فرقی می کند چگونه؟

زیستنم را بنگر

ایستاده با مشت!

(۱۴) "خیابان گردی"

به حساب هر چه بگذاری

سخت عاشقم

به خیابان

به پیاده روها

به پیچ ها

به سنگ کاشی های بی حال

به حساب هر چه بگذاری

به هر آنجا که پا میگذاری...!

۱۵) "توت آغوش"

تورا که نه

ترجمه کردی

ترانه ی طراوت گیس سفیدی کاغذ

پیر چه دیر به خونا به گونه اش ترا!

به تبار تیره چرا سوزاندی

توت وحشی آغوش

- توشه بردار

بفروش!

۱۶) "گوساله ی سامری"

گفتا گوئی که گفتا:

گور به گور گوساله طلا!

تا تورا

به سیلاب نبرده این سجاده دیوان

- اهوووی:

بیا نیائی در یوزگی خواجه

آغا غزال الدوله

با پیشاب خفته اند

کاغذ بییچ نجاست گالینگور را!



(۱۷) "انتظار"

معکوس علاقه جای تمبر

ضمیمه ی چکمه های بلند

روی پاکت مهر خوردی

و جز ایشان ها و من

احدی نیست

نداند چقدر معتکفم!

به لهجه ی چهارم خوشبختی

سینه ی دیوار

منتظر آتش سالها!

۱۸) "شلغم خاتون"

اتل متل که آغا هنوز

گرفته پر و پارچه ی زری خانم

مگر نه اینکه

خرکی خراطی می کند میان

قصه ی در کرده ی

حماسه ی دیزی!

طاقه طاقه ماسه بپاشید.

روی سراچه ی زیر و زبر

چاپ نوزدهم الهی

جیز جیگر بگیریه صیغه ای شلغم خاتون!

۱۹) "ایل من!"

گرداگرد درد نگردی

دوری داری داوری روزهای در یوزه!

دیشب از کنار تو دار - کوب

چهارچوب از تبار من امشب

ضمایر موصولی فصل هفتم فراقندا!

۲۰ "گورستان"

سوت نزن

سوت سو تک من

فوت نکنی یکهو از ناسوت می پرد آقا

صورتش سرسره بازی می کنند

ساس ها، سوسک ها

سرایدارهای نبش سه راهی آن ور تری!

گردباد دماغ هاست نیلبک در دستت!

برای دل من بزن!

ساز دهنی لبهایم را ...؛

(۲۱) "غریزه"

این تن

به طبیعی ترین عطر بی قفسه

مشتری برف های خلوتی ست

(- اینجا دادگاه تجدید نظر نیست)

فلسفه پاشیده شدنم

مستعمره ی خیابانی ست

که چشم هایش

تن پوش دستگیرند!

۲۲) "سوسوی مشرقی"

گفتی که نیامده

میان به میانه نیاز

زاد راه روز های از اینجا

تا سه راهی های خاطره!

اگر از شبانه ی شانه نبود

سو سوی مشرق پوسیده

ستاره چرا

از سینه ات افول کرد؟

گفتی که نیامدی!

۲۳) "ایران دخت"

همانیم

که شاخ داریم از رستم

و شاخه نبات

شراب

همانیکه شبانه زائیدی

در فاضلاب پنجمین غزل خیابانی را

بیچاره ایران دخت

رو سپید سرخاب هم نشد

۲۴) "آلبوم عکس"

دومین شمایل آفتابی

بعد غروب آلبوم ها سیاه و سفید

تو را چگونه می شود

اسفند دود کرد سفره های بی کرانه ی رویا!

-: همیشه همینطور است...

ولی ما که همیشه نیستیم!



۲۵) "مسافر همیشه"

مات در مات

یا نه اگر اینگونه

چه میگردی در علفزار نجارها و پلنگ ها

از آسمان هر چه بیارد

خال خال، بال بال می زنم برایت

با پای آبله مرغان

خلخالی به پای خیالیت

راستی

خوب حالی خوب خوابی!

۲۶) "پیر - شعر"

مو مویه ی سیاه و قهوه ای و زرد

آهای... پاشیده مرد؛

پر از همه ی مذاهب دنیائی

و خالی

مثل دودهای بی خیال پریشان!

دلیل ساده ی مردن

شعر ، مدلول سختی ست

که زندگی کنیم!

۲۷) "صدای تو"

از اینکه بگویم

دود گیسوانت

سیگاریم کرد

پشمان نشوی

گلویت را به زخمدانت چه پیوند داده

جر شعری که به صدا ماند!

۲۸) "مولف شیطان"

چوب بغل خاطره

چاپ می کنم چرائی شیطان را!

چهار سوی پیکرت صلیب

می کشدم

تا جلجتای گونه اش!

- های...

این شعر را به چلچراغی آذین کن

به حکم گناه کدام سطر آویز

شلاق تبسم هات؟

۲۹ "غزل ناتمام"

دیروز

از پشت سفیدی چهارچوب ها

غزلی تمام کردم

و نیامده رفت!

امروز

از پشت ماتی شیشه ها

تمام می کنم

و غزلی می ماند

تا همیشه بی نام!

۳۰) "کودکانه"

لالا - لالائی

بهانه گرفتن و سر نهادن

بوسه گرفتنی که آرام باش

شیر و عسل

صبح

عکس آفتاب که روی تنم ریخت

مادر بزرگ زیر روبان سیاه

می خندید!

(۳۱) "حواس پرتی!"

با بندی که محکم گرفته نیفتد

شلوار گشاد دیوانه

دومی داد می زند و فحش:

-: روکش لنگیده!

سومی را هنوز نیامده

راننده چپ چپی : آقا

گذشتم از مسیر این حوالی ها!

-: از عقلامان هم این...

(پا در هوا می گذاریم وقتی بی تو ایم!)

۳۲) "چشم زخم"

ما هر دو زشتیم

و همچنان به هم پیوند داد!

این را گفتم

تا چشم نخوریم!



۳۳) "۱۸ تیر"

گلوله را برداشت

مرمی را روی لبش کشید

خیابان

رژ سرخ زده بود!